



دانشگاه پیام نور مرکز شیراز

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ی علوم انسانی

گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

فرهنگ تشبیهات در دیوان وصال شیرازی

استاد راهنما:

دکتر الیاس نورائی

استاد مشاور:

دکتر سید مهدی خیراندیش

نگارش:

علی پوراختری

آبان 1387

تقدیم به

همسر مهربان و صبورم که با زحمات بی دریغ خود مرا در
انجام این تحقیق یاری نمود و در تمام مراحل مشوقم بود.

سپاسگزارى

منت خداى عز و جل را كه توفيق انجام اين تحقيق را به من عطا فرمود و عنايت خود را در انجام تمام مراحل نصيب اين حقير گردانيد .
به مصداق آيه ي « من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق » بر خود لازم مى دانم از كليه عواملى كه در انجام اين تحقيق ياريم نموده اند بخصوص از جناب آقاى دكتورالياس نورائى و جناب آقاى دكتورسيد مهدى خير انديش كه زحمت راهنمايى و مشاوره اين پايان نامه را بر عهده داشتند و با رهنمودهاى خويش ، بنده را در انجام اين كار يارى رساندند و نهايت الطاف خود را مبذول داشتند و همچنين خانواده ام كه با صبر و حوصله فراوان ، مشكلات را تحمل نموده و مرا با تشويق هاى خود دلگرم نمودند نهايت تقدير و تشكر را مى نمايم .

چکیده

این پایان نامه با عنوان فرهنگ تشبیهات در دیوان وصال شیرازی ، از شش فصل تشکیل شده است . فصل اول آن ، کلیات ، شامل مقدمه ، روش تحقیق ، پیشینه و اهداف تحقیق است و فصل دوم شامل دوره ی بازگشت ادبی و شرح حال وصال است که خود شامل بخش هایی چون بازگشت ادبی در نثر و بازگشت در نظم می باشد و همچنین شرح حال وصال که شامل نام و نسب ، خاندان و فرزندان ، زندگی و مرگ ، هنرهای ایشان ، ممدوحین و معاصران و در نهایت نظر دیگران در مورد این شاعر گرانقدر است و فصل سوم شامل توضیحاتی پیرامون علم بیان و صور خیال است که به طور مختصر به بیان استعاره ، مجاز و کنایه می پردازد و به توضیحاتی مفصل و کامل درباره تشبیه و انواع آن و همچنین عناصر سازنده تشبیه که به دو دسته طبیعی و انسانی تقسیم می شوند ، می پردازد که برای هر کدام از انواع تشبیهات ، شاهد مثالی از دیوان وصال ذکر گردیده است . در فصل چهارم ابیات تشبیه دار غزلیات ، از دیوان وصال انتخاب شده ، سپس به بیان نوع آنها از نظر حسی و عقلی بودن ، مفرد ، مقید و مرکب بودن و ... پرداخته شده است . فصل پنجم آن شامل فرهنگ ها و نمودارهاست که شامل فرهنگ مشبه ، فرهنگ مشبه به و فرهنگ ادات تشبیه می باشد و بخش دیگر آن شامل نمودارهایی است که طبق آمار و ارقام ، از انواع تشبیهاتی که در فصل چهارم ذکر شده ، به دست آمده است و فصل ششم آن نتیجه گیری از کل مبحث می باشد که بیشتر از روی نمودارها قابل بحث و بررسی است و اینکه وصال از کدام یک از انواع تشبیهات بیشتر و از کدام نوع کمتر استفاده نموده است که هدف از این کار آشنایی بیشتر با وصال و اینکه منبعی برای تحقیق مسائل ادبی و هنری دانشجویان زبان و ادبیات فارسی در زمینه تشبیه باشد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول : کلیات
1	1-1 مقدمه
2	2-1 روش تحقیق
2	3-1 پیشینه تحقیق
3	4-1 اهداف تحقیق
	فصل دوم : دوره بازگشت ادبی و شرح حال وصال
5	1-2 سبک های شعر فارسی
7	1-1-2 بازگشت ادبی
7	1-1-1-2 بازگشت در شعر
10	2-1-1-2 بازگشت در نثر
14	2-2 شرح حال وصال
15	1-2-2 نام و نسب وصال
16	2-2-2 تفاخر و اخلاق وصال
17	3-2-2 هنرهای وصال
19	4-2-2 زندگی وصال
21	5-2-2 شاگردان وصال
21	6-2-2 معاصران وصال
21	7-2-2 ممدوحین وصال
22	8-2-2 سفرهای وصال
22	9-2-2 خاندان و فرزندان وصال
24	10-2-2 پایان عمر وصال
24	11-2-2 اشعار وصال از دیدگاه خود شاعر
25	12-2-2 اشعار وصال از نظر دیگران
26	13-2-2 دیوان وصال
	فصل سوم : علم بیان

30	1-3 مجاز
31	2-3 کنایه
31	3-3 استعاره
33	4-3 تشبیه
35	1-4-3 تشبیه به اعتبار دوطرف آن
35	1-1-4-3 تقسیمات تشبیه بر اساس حسی و عقلی بودن دوطرف آن
36	2-1-4-3 تقسیم تشبیه بر اساس مفرد ، مقید و مرکب بودن دوطرف آن
39	3-1-4-3 تقسیمات تشبیه به اعتبار ادات تشبیه و وجه شبه
41	4-1-4-3 تقسیم تشبیه به اعتبار تعدد یا وحدت دوطرف آن
42	2-4-3 انواع دیگر تشبیه
45	3-4-3 زاویه تشبیه
46	4-4-3 مقاصد و اهداف تشبیه
47	5-4-3 عناصر سازنده تشبیه
48	1-5-4-3 عناصر انسانی
60	2-5-4-3 عناصر طبیعی

فصل چهارم : تشبیهات در دیوان وصال با ذکر ارکان آن

69	4- تشبیهات در دیوان وصال با ذکر ارکان آن
	فصل پنجم : فرهنگ ها و نمودارها
162	1-5 فرهنگ الفبایی مشبه
182	2-5 فرهنگ الفبایی مشبه به
203	3-5 فرهنگ الفبایی ادات تشبیه
209	4-5 نمودارها
209	1-4-5 نمودار تعداد جامع ابیات ، ابیات غزلیات و تشبیهات درغزلیات وصال
209	2-4-5 نمودار تعداد تشبیهات بر اساس ذکر و عدم ذکر وجه شبه و ادات تشبیه
210	3-4-5 نمودار تعداد تشبیهات بر اساس مفرد ، مقید و مرکب بودن طرفین تشبیه
211	4-4-5 نمودار تعداد تشبیهات بر اساس حسی و عقلی بودن طرفین تشبیه
211	5-4-5 نمودار تشبیهات بر اساس نوع وجه شبه

212	6-4-5 نمودار تعداد انواع تشبیهات در غزلیات وصال
	فصل ششم : نتیجه گیری
214	1-6 نتیجه گیری
217	فهرست منابع و مآخذ

1- کلیات

1-1 مقدمه

همانطور که می دانیم ادبیات ، دنیای ادای یک معنی به انحای مختلف است مشروط بر آن که آن اداها مخیل باشند این جمله را می توان به نحوی دیگر بیان نمود . ایراد معنای واحد به طرق مختلف به شرطی که مبتنی بر تخییل باشد ؛ خود تعریف علم بیان است که ابواب سنتی آن عبارتند از : مجاز ، استعاره ، کنایه و تشبیه امروزه علاوه بر این ابواب مطالب دیگری هم در حوزه علم بیان قرار گرفته است مثل : سمبل ، اسطوره ، کهن الگو یا آرکی تایپ ، تمثیل و غیره . (شمیسا 1381، 24)

کلا ادبیات به خاطر وجود همین علم است که هیچ گاه تازگی و بدیع بودن خود را از دست نمی دهد زیرا یک جمله یا مفهومی را می توان به طرق مختلف مطرح نمود که هر کدام زیبایی و جذابیت خاص خود را دارد و هیچ کدام تکراری و خسته کننده به نظر نمی رسد . مثلا داستان لیلی و مجنون که در طول زمان شاعران مختلف با اداهای مختلف در نقاشی صحنه های مشابهی از آن هنر آفرینی کرده اند . و به قول حافظ (1375، 29) :

یک قصه بیش نیست غم عشق و این عجب
و یا صائب (1377، 173) چه زیبا گفته است :

یک عمر می توان سخن از زلف یار گفت
در بند آن نباش که مضمون نمانده است

مورد دیگر این که علم بیان چون مربوط به معناست اختصاص به زبان و ملت خاصی ندارد همانطور که در شعر شاعر عرب یا ایرانی تشبیه و استعاره وجود دارد در شعر شاعران دیگر اقوام و ملل نیز تشبیه و استعاره وجود دارد . پس برای دریافت رمزهای زبان ادبی و راه ورود به دنیای مه آلود ادبیات باید با علم بیان آشنایی داشته باشیم زیرا محک و متدولوژی ادبیات تا حد بسیار زیادی علم بیان است .

بنابراین در این پایان نامه بر آنیم تا ضمن اشاره ای مختصر به سه باب از ابواب چهارگانه علم بیان از نظر سنتی (مجاز ، استعاره و کنایه) یکی از آنها را که رایج ترین و معروفترین آنها، یعنی تشبیه را بیشتر توضیح دهیم سپس به بیان انواع و اقسام آن می پردازیم .

این پایان نامه دارای شش فصل می باشد که فصل اول آن به بیان کلیات تحقیق شامل : مقدمه ، روش تحقیق ، پیشینه تحقیق و اهداف آن می پردازد که از روش کتابخانه ای و استفاده شده و هدف از آن آشنایی بیشتر با شرح حال وصال و همچنین تشبیهات موجود در دیوان وی می باشد .

فصل دوم آن به بیان دوره بازگشت ادبی که دوره شعری شاعر می باشد، می پردازد و همچنین به معرفی و شرح حال شاعر و زمینه های مختلف زندگی وی اشاره دارد. در فصل سوم آن توضیحاتی پیرامون علم بیان و رایج ترین باب آن یعنی تشبیه می باشد که برای هر یک از انواع تشبیهات شاهد مثالی نیز از وصال ذکر گردیده است و علاوه بر آن، عناصر سازنده تشبیه در دیوان شاعر مورد بررسی قرار گرفته است که به دو دسته طبیعی و انسانی تقسیم می شود. فصل چهارم شامل تشبیهات موجود در غزلیات وصال می باشد که از مجموع 28000 بیت کل دیوان، غزلیات آن 8530 بیت را به خود اختصاص داده که از این مجموع 1035 مورد تشبیه استخراج گردیده است و علاوه بر این به ذکر ارکان تشبیهات و نوع آنها نیز پرداخته شده است. فصل پنجم این پایان نامه با عنوان فرهنگ ها و نمودارهاست که شاما فرهنگ الفبایی مشبه، مشبه به و ادات تشبیه است و سپس با توجه به تعداد انواع تشبیهات نمودارهایی نیز ترسیم شده که به وسیله این نمودارها می توان به نقد و بررسی انواع تشبیهات پرداخت و همچنین به سبک شعری شاعر پی برد. فصل ششم آن مربوط به نتیجه گیری از کل تحقیق می باشد که با ارائه آمار و ارقام و سبک شعری شاعر، خواننده را از کل محتوای پایان نامه مطلع می کند. لازم به ذکر است که در اثنای تحقیق از حروف اختصاری استفاده شده که بدین ترتیب است: «د» به معنی دیوان وصال، «ب» به معنی بیت، «غ» به معنی غزل و «ص» به معنی صفحه و «پ» به معنی صفحه پایان نامه می باشد.

امید است که توانسته باشم با انجام این کار، گامی نه چندان بزرگ در دنیای پهناور ادبیات برداشته باشم و منبعی برای دانشجویان و ره پویان ادبیات فراهم نموده باشم.

1-2 روش تحقیق

در این تحقیق از روش کتابخانه ای استفاده شده و ضمن مشاهده و استخراج نمونه های تشبیه در دیوان وصال شیرازی، به ذکر ارکان تشبیهات موجود و تعداد و انواع آن، و در پایان با استفاده از کتب بلاغی به نقد و بررسی و نتیجه گیری پرداخته شده است.

1-3 پیشینه تحقیق

درباره فرهنگ تشبیهات در دیوان وصال تاکنون کاری صورت نگرفته و این کار به نوبه خود جدید و بدیع می باشد که از روی دیوان وصال به تصحیح و تنظیم دکتر محمود طاووسی، استاد دانشگاه شیراز صورت گرفته است و به جز این کار، در تاریخ ادبیات اشاره ای گذرا به شرح حال وصال گردیده است که چندان کافی نیست و نیاز به تحقیق بیشتری درباره چنین شاعری توانا و خوش ذوق را می طلبد و امید است که ادب دوستان هر چه بیشتر درباره زمینه های مختلف زندگی و شعری این

شاعر تحقیق نموده و برای شناساندن این چهره ی ادبی به ادب دوستان گام موثری بردارند و امیدوارم که این کار انجام شده توسط این حقیر مورد پسند ادب دوستان قرار گیرد .

1-4 اهداف تحقیق

هدف از انجام این تحقیق چندین مورد می باشد که مهم ترین آنها عبارتند از :

- آشنایی و شناخت بیشتر شرح حال وصال شیرازی و همچنین شگردهای خاص بیان در اشعار ایشان بخصوص تشبیه .
- بیان و تحلیل آرایه ادبی تشبیه و عناصر سازنده آن .
- فراهم نمودن فرهنگ تشبیهات در مورد اشعار وصال شیرازی .

2- دوره بازگشت ادبی و شرح حال وصال

2-1 سبک های شعر فارسی

«سبک» در اصل؛ یعنی، قالب ریزی فلزات و ریخته گری. کسی که فلزی را قالب ریزی می کند اصل فلز را - که موجود است - بر می دارد و به شکل خاصی در می آورد و برای فروش عرضه می کند. قطعه ی طلا یا نقره ی قالب ریزی شده را به همین دلیل، « سبیکه » نامیده اند. کار شاعر هم در کاربرد لغات و بیان مقصود، تقریباً همین گونه است، زیرا شاعر لغات را - که در زبان وجود دارد - بر می دارد، نحوه تلفیق و بیان مطلب در شعر هر شاعر، ویژگی خاصی دارد که همان، سبک یا روش کار او است بنابراین، سبک هر شاعر؛ یعنی، شیوه ای که وی برای بیان مطالب خود به کار می برد. چون شعر فارسی بعد از اسلام تا کنون، از جهت شیوه ی بیان، تغییراتی داشته است شکلهای خاص بیان در شعر فارسی را به چند نوع تقسیم کرده اند.

«سبک شعر، یعنی مجموع کلمات و لغات و طرز ترکیب آنها، از لحاظ قواعد زبان و مفاد معنی هر کلمه در آن عصر، و طرز تخیل و ادای آن تخیلات از لحاظ حالات روحی شاعر، که وابسته به تأثیر محیط و طرز معیشت و علوم و زندگی مادی و معنوی هر دوره باشد، آنچه از این کلیات حاصل می شود آب و رنگی خاص به شعر می دهد که آن را « سبک شعر» می نامیم، و پیشینیان گاهی به جای سبک « طرز» و گاه « طریقه » و گاه « شیوه» استعمال می کردند». (شمیسا، 1375، 147)

شعر فارسی، به طور کلی، از زیر سیطره و تسلط چهار سبک بیرون نیست، اگر چه باز هر سبکی به طریقه و طرزهای مختلفی تبدیل می شود تا می رسد به جایی که هر شاعری استیل و طرز خاصی رابه خود اختصاص می دهد که قابل حصر نیست، بنابر این در مدارس امروز ما تنها چهار سبک را اصل و مبدأ سبک ها قرار داده ایم و آن به قرار زیر است:

1- سبک خراسانی

2- سبک عراقی

3- سبک هندی

4- بازگشت ادبی یا سبکهای جدید که منتهی به سبک جدید دوره مشروطه شده است.

توضیح آنکه این سبکها مربوط به زمان است نه مکان، و مکان را در آن تأثیری نبوده و نیست و همچنین سبکهای بین بین نیز هست که استادانی داشته است. مبدأ سبک خراسانی از نیمه قرن چهارم هجری آغاز شده و به نیمه قرن ششم می رسد. سبک عراقی از آغاز قرن هفتم ابداع شده و به اواخر

قرن دهم هجری می رسد. سبک هندی بیشتر از قرن دهم تا دوازدهم، و بازگشت به شیوه های عراقی و خراسانی از قرن دوازدهم در ایران تا امروز برقرار است. در این دوره شعرا به همه سبکها شعر گفته و غالباً از متقدمان تقلیدهای بسیار استادانه کرده و سبک خراسانی و عراقی را تجدید نموده اند، و به سبک هندی هم شعر گفته اند، و اخیراً مکتب تازه تری به وجود آمده است که افکار و عقاید بسیار تازه را به سبک کلاسیک درآوردند.

دوره ی حکومت قاجاریه بر ایران منشا تحولات گسترده ای در جنبه های سیاسی، اجتماعی، ادبی، اقتصادی و... در جامعه ی ایران شد. تحولاتی که تاثیرات مثبت یا منفی آن هنوز هم به خوبی در جامعه احساس می شود. و این تاثیر به حدی است که به جرات می توان ادعا کرد که اگر کسی تاریخ قاجاریه را به دقت مطالعه نکرده باشد هنوز قادر به فهم تحولات کنونی جامعه و ارائه ی تحلیل جامع و دقیقی از آن نخواهد بود.

یکی از وقایعی که در دوره ی قاجاریه قابل بحث و بررسی است جنبش ادبی در این دوره است که به بازگشت ادبی نیز مشهور شده است. با این که دوره ی بازگشت ادبی در حقیقت از اواخر عهد صفویه آغاز شده ولی دوره ی باروری و اشاعه و گسترش آن در عهد قاجاریه بوده است و در این دوره شعرا و نویسندگان بزرگی ظهور کردند که با اجتناب از سبک و اسلوب نویسندگان دوره ی صفوی که ویژگی آن بخصوص پیچیده نویسی و استفاده ی زیاد و بی رویه از لغات و ترکیبات و اصطلاحات عربی بود روش جدیدی را با بازگشت به روش نویسندگان قدیم چون بیهقی و... بنیان گذاشتند که ادامه ی آن به ادبیات مردمی دوره ی مشروطه منتهی شد.

عواملی که موجب ایجاد تفکر بازگشت ادبی شده اند را محققین رشته های مختلف به شیوه های متفاوت مورد بررسی و تحلیل قرار داده اند اما باید گفت که شاید مهم ترین علت ایجاد - و یا بویژه گسترش - چنین سبکی در بیان نویسندگان و شعرای آن دوره، نیاز آنان به ایجاد ارتباط گسترده با مردم بوده است. مردمی که توان درک و فهم دقیق مطالب نویسندگان و شعرای دوره ی قبل از بازگشت ادبی را نداشته اند و این نیاز با تاسیس روزنامه های مختلف و نیز نیاز به ایجاد آگاهی در طبقات مختلف مردم در جریان نهضت مشروطیت و قیام های قبل از آن بوده است و شاید به همین دلیل است که می بینیم شاخص ترین چهره های این جنبش ادبی - بویژه در زمینه ی نثر - را کسانی تشکیل می دهند که در اصلاح افکار عمومی زمان خویش نیز نقش بسزایی داشته اند.

اینک به توضیح بیشتری پیرامون زمان و چگونگی پیدایش سبک بازگشت و تغییر و تحولات ناشی از آن در شعر و نثر می پردازیم.

2-1-1 بازگشت ادبی :

دوره ای در تاریخ ادبیات ایران ، از نیمه دوم قرن دوازدهم تا پیدایش ادبیات مشروطه در اوایل قرن چهاردهم درباره آغاز و آغازکنندگان ادبیات این دوره میان صاحبان نظر تقریباً اتفاق نظر هست ، اما درباره ماهیت این دوره ادبی و نامها و صفت‌هایی که بدان داده شده و تقسیم آن به دوره های فرعی تر و پایان و هدف آن اختلاف نظر بسیار و آراء ، گاه حتی بکلی متعارض است . با این حال ، بیشتر نویسندگان تاریخ ادبیات ایران و صاحبان نظر ادبی معاصر به گونه ای «بازگشت» را بر این دوره اطلاق کرده اند، هر چند که مرادشان از آن یکسان نیست . به احتمال قوی تعبیر «بازگشت» را نخستین بار ملک الشعرای بهار در نوشته به کار برده است (ارمغان ، ش 7 ، 441-448) او در سبک شناسی (بهار ، 1321 ، 316)، پس از توصیف «انحطاط ادبی» عصر صفوی ، با عبارت «رستاخیز یا بازگشت» نیز از این دوره یاد کرده است . دیگران با تعبیرهای دیگری از آن یاد کرده اند، از جمله : «نهضت ، نهضت جدید، نهضت شعری جدید» (عباس اقبال ، 1345 ، 8-1)، «نهضت ادبی» (همائی ، 1339 ، 15)، «نهضت نو در شعر فارسی» و «دوره بازگشت» در شعر و نثر (صفا ، 1342 ، 679-681)، «نهضت ادبی» و «نهضت نسبتاً مهمی در شعر فارسی» (آرین پور ، 1350 ، 13) در نوشته های دیگران ، داوریه‌ها و ارزشیابیهای افراطی و تفریطی از کاربرد تعبیرها پیداست . برای مثال ، نویسنده ای با عبارات «نهضت بزرگ ادبی» و «رنسانس ادبی» از آن یاد می کند (ابراهیم صفایی ، 1344 ، 2 و 3). نویسنده مقاله «فارسی ، ادبیات» در دایره المعارف فارسی مصاحب کلمه رجعت را برای توصیف این دوره به کار می برد، آن هم نه در معنای لغوی کلمه و نه مترادف با بازگشت بلکه با باری منفی و به معنای ارتجاع ، و حتی تصریح می کند که این دوره را دوره «بازگشت» یا «نهضت» خوانده اند اما باید آن را دوره «رجعت» نامید . به هر حال ، اختلاف نظر در انتخاب و استعمال اصطلاحات برای اطلاق بر این دوره از تفاوت تلقیهای ادبی و نیز دیدگاههای متفاوت درباره ماهیت ادبی آن حکایت می کند.

2-1-1-1 بازگشت در شعر :

در نیمه قرن دوازدهم ، تقریباً از اواخر عصر افشاریه ، حرکت تازه ای در شعر فارسی آغاز شد و تنی چند از شاعران به فکر پیروی از اسلوبهای کهن شعر فارسی - سبک خراسانی (یا ترکستانی) و سبک عراقی - افتادند و این طرز را در شعر «شیوه متقدمین» یا «طرز قدما» خواندند یا با عبارتهای دیگری از این قبیل نامیدند. لطفعلی آذر بیگدلی ، که خود از پیشگامان بازگشت ادبی است ، در هیچ جای

آتشکده آذر، «بازگشت ادبی» یا عبارتی نظیر آن به کار نبرده است آذربیدگدلی فقط از تجدید اسلوب متقدمان، یعنی شیوه شعرای پیش از عصر صفوی، سخن به میان آورده است و از کلام او نکته دیگری جز این استنباط نمی شود. (آذر بیدگدلی 1337، 54)

حرکت بازگشت از شهر اصفهان شروع شد، هر چند که در دوره استیلای افغانها و عصر انحطاط و افول پس از آن، شهر آباد اصفهان ویران شده بود و دیگر مقر حکومت و مرکز اصلی سیاست نبود و مردم آنجا، از جمله اهل علم و ادب، در بلاد متعدد پراکنده شده بودند. شهرهای شیراز و کاشان و تهران پس از اصفهان به حرکت بازگشت گراییدند. شاعرانی که پیشگام حرکت نو ادبی شدند عبارت اند از سیدمحمد شعله اصفهانی و میرسیدعلی مشتاق اصفهانی و میرزا محمدنصیر اصفهانی به کوشش این سه تن، بویژه به اهتمام و تشویق مشتاق، محفلی از شعرا در اصفهان تشکیل شد و شاعران با استعدادی چون عاشق اصفهانی، صهبای قمی، لطفعلی آذر بیدگدلی، هاتف اصفهانی، صباحی بیدگلی کاشانی، رفیق اصفهانی و عدّه ای دیگر گردهم آمدند و به بحث و گفتگو و سرودن شعرهایی به شیوه شاعران بلندآوازه قدیم پرداختند. مشتاق شخصاً به شعر حافظ و بیشتر به غزل و رباعی راغب بود و از حافظ و سعدی استقبال می کرد؛ اما اعضای محفل ادبی او به شیوه شاعران عصر پیش از مغول، خاصه فردوسی و عنصری و فرخی و منوچهری و انوری و خاقانی، نظر داشتند و نحوه بیان و نوعاً مضمونهای شعر آنان را سرمشق خود ساختند. مشتاق اصفهانی درباره جلوس نادرشاه و فتح هندوستان و قندهار و بلخ و ایروان و شکست و فرار افغانها به دست نادرشاه اشعاری به سبک شاعران قدیم می ساخت. آذر بیدگدلی قصاید غراً به شیوه قدما و طبیب اصفهانی مثنوی به تقلید نظامی گنجوی می سرود. قصیده های هاتف اصفهانی به سبک امامی هروی، شاعر معاصر سعدی، و گاه به شیوه خاقانی بود. عبدالرزاق دنبلی، که از پیشگامان بازگشت در نثر است، شعر هم می گفت و در قصیده به امیر معزی اقتفا می کرد و غزل را به سبک قدما می سرود. این شاعران و عدّه کثیری از پیروان و دست پروردگان ایشان ذهن مردم را از سبک غالب رایج در دوره پس از مغول و تیموری بتدریج دور ساختند و حرکتی را آغاز کردند که پس از مدتی دامنه اش از شعر گذشت و به نثر فارسی سرایت کرد و موجب تغییر سبک ادبی گردید و بعدها، در دوره قاجاریه پخته تر شد.

نکته درخور تأمل اینکه این حرکت بی مقدمه و یکباره یا فقط به اراده و خواهش یا به ذوق و قریحه مشتاق اصفهانی و همگامان او و فارغ از تطورات ادبی و تحولات جامعه آغاز نشده و تحوّل بیسابقه

و ناگهانی نبوده است. در دوره صفوی همه شاعران به سبک رایج در آن عصر شعر نمی سرودند. شاعران بسیاری بودند که در قصیده و غزل سبک قدما را پیروی می کردند یا شعرشان تقلید سبک رایج در آن عهد نبود و اصالت و استقلال نسبی داشت. محمدمحیط طباطبایی می گوید که عده ای به دنبال آذر بیگدلی مرتکب اشتباه شده اند و آغاز «تحوّل اسلوب سخن» را روزگار مشتاق و عاشق شمرده اند، حال آنکه «تتبع سخن سخنوران عهد شاه سلطان حسین چنین دلالت می کند که این تحوّل سبک سخن در اواخر قرن یازدهم آغاز شده بود و شعرای نیمه اول سده دوازدهم از حیث قوت اسلوب خود را از سیاق سخن هندی پسند دور کرده بودند» (طباطبایی، 1345، 1). در واقع، تبخّر بارز نخستین شعرای بازگشت در سرودن قصیده و غزل به شیوه قدما گواه آشکار دوام سنتی ریشه دار و انس و الفت عمیق با قالب و جان شعر قدیم است و گرنه طبیعی است که هیچ شاعری، هر چند مایه ورباشد، نمی تواند در بدو امر به این درجه از تسلط بر کلام و فنون شعری دست یابد. جلال الدین همائی، که عهد تنی چند از استادان قدیم شعر اصفهان را شخصاً درک کرده، برای سبکهای شعر فارسی اصطلاحهای دیگری اختیار کرده است و سبک شاعران دوره بازگشت را، که به تصریح او از انجمن مشتاق اصفهانی آغاز شد و «اثرش به قرن 13 و 14 رسید و هنوز هم آن شیوه مابین شعرای مکتب قدیم شایع و متداول است» (دیوان طرب چاپ همایی، 1342، 113)، «سبک عراقی جدید» و «سبک عراقی اصفهانی جدید» (دیوان طرب چاپ همایی، 1342، 115) در مقابل «سبک عراقی قدیم» و «سبک عراقی متوسط» (= سبک اصفهانی / هندی) نام داده است. به نظر او، حاصل ادبی انجمن مشتاق و شعر شاعران بازگشت ظهور سبک تازه ای در غزلسرایایی بوده و این سبک تازه «آمیخته ای است از سبک عراقی قدیم و متوسط» (دیوان طرب چاپ همایی، 1342، 116)، سبکی که عنصر غالبش از سبک عراقی و چاشنی آن از سبک اصفهانی / هندی بوده است و اکثر شعرای اصفهان در قرن 13 و 14 پیرو همین سبک بوده اند. پس از روی کار آمدن سلسله زندیه و استقرار آرامش در عصر حکومت وکیل الرعایا کریمخان زند، حرکت بازگشت ادبی نضج گرفت. کریمخان شخصاً شعر دوست و شاعر پرور نبود، اما فراغ بال سی ساله حکومت نسبتاً سالمش به بازار ادب و هنر رونق نسبی داد. شعرا در عصر زندیه محفل ادبی داشتند و حرکتی را که سالها پیشتر آغاز شده بود به طور منظم ادامه می دادند. میرزا عبدالوهاب موسوی اصفهانی در زمان کریمخان زند حاکم و کلاتر اصفهان شد و شاعرانی که از سبک رایج بیزار و به طرز قدما مایل بودند، به تشویق او و در منزل شخصی او، انجمن ادبی تشکیل دادند. به ترغیب وی، بازار شاعری در اصفهان، که مرکز ادبی بود، رونق گرفت. میرزا حسین وزیر فراهانی متخلص به وفا، وزیر زندیه، که مردی ادیب و سخن شناس و معتقد به طریقه بازگشت بود و کتابخانه ای از نفایس آثار داشت، در شیراز

محفل ادبی دایر کرد (زرین کوب، 1363، 151-166). میرزاعبدالوهاب نشاط اصفهانی فاضل و ادیب و منشی و از شعرای اوایل عصر قاجار در زمان سلطنت آقامحمدخان قاجار، حاکم اصفهان شد و در آنجا، مانند نیای خود میرزاعبدالوهاب موسوی، محفل شعرا را، که در واقع انجمن عمده ادبی شهر بود، تشکیل داد. به گفته رضاقلیخان هدایت، محفلش «مجمع شعرا و ظرفا» بود. این محفل، در قیاس با محافل ادبی سابق، با آگاهی بیشتر به اسلوبهای گوناگون شعری توجه می کرد (آرین پور، 1350، 14؛ زرین کوب، 1363، 178). پس از آنکه نشاط اصفهانی برای تصدی بعضی امور دیوانی به دربار تهران احضار و انجمن نشاط در اصفهان تعطیل شد، حجره مجمر در مدرسه کاسه گران به صورت مجمع سخنسرایان شهر درآمد (مقدمه بر دیوان مجمر محمد محیط طباطبایی، 1345، 1). آرامش نسبی دوره قاجاری پس از سالها آشوب و فتنه، شعر دوستی شاهان و شاهزادگان این سلسله، تشویقهای آنان از شاعران، و بعضی عوامل مساعد دیگر موجب شد تا بازار شعر و شاعری، که در آن عصر پناهگاه دیگری برای رشد خود نداشت، رونق بگیرد. حرکتی که مشتاق اصفهانی و همگامانش آغاز کرده بودند، به همت کسانی که در محافل ادبی آنان پرورش یافته یا از آن محافل تأثیر پذیرفته بودند بویژه از طریق محفلهای ادبی، به رغم تغییرات سیاسی، از دوره افشاریه و زندیه به عصر قاجاریه انتقال یافت. سید محمد سبحان، شاعر بزرگ عصر فتحعلیشاه، پسر هاتف اصفهانی بود و شرر بیگدلی، شاعر اوایل عصر قاجار و پسر لطفعلی آذر بیگدلی، فتحعلی خان صبای کاشانی، ملک الشعرای دربار فتحعلیشاه، شاگرد صباحی بیگدلی. فتحعلی خان صبا و میرزابزرگ عیسی قائم مقام، که پس از انقراض سلسله زندیه به دستگاه و دیوان قاجار راه یافتند، راه و روش مشتاق اصفهانی و صباحی بیگدلی را به شاعران بزرگ آن دوره منتقل ساختند و حرکت بازگشت را تداوم بخشیدند. فتحعلی خان صبا، پس از مشتاق و آذرو هاتف و صباحی، در جریان بازگشت ادبی نقش عمده ایفا کرد. نشاط اصفهانی، مجمر اصفهانی، وصال شیرازی یغمای جندقی، فروغی بسطامی، حبیب الله قآنی، سروش اصفهانی، صفی علیشاه، میرزاحبیب خراسانی و فتح الله خان شبیبانی از بزرگترین شاعران عصر قاجارند که شیوه شعری دوره بازگشت را ادامه دادند و هر یک، به صبغه فکری و هنری خاص خود، سنت ادبی آنان را پرمایه و برای تحولات ادبی بعد آماده تر ساختند.

2-1-1-2 بازگشت در نثر:

در اواخر حکومت زندیه و مدتی پس از حرکت بازگشت در شعر، تغییرات اندکی در شیوه نثرنویسی پدیدار شد. نثر فارسی، با آهنگی کندتر از آن شعر، از تصنعات و تکلفات خود کاست و رفته رفته از

حشو و زواید پیراسته شد. به تجربیات گذشتگان و امکانات نثر فارسی توجه شد. بویژه از اوایل عهد قاجار، تحوّل نثر سرعت بیشتری یافت و نویسندگانی پیدا شدند که شیوه نثرنویسی رادگرگون کردند و بنایی گذاشتند که در آن قواعد فارسی نویسی صحیح بیشتر رعایت شد از میان نویسندگانی که بانی تحول نثرند تنی چند به شرح زیر یادکردنی اند: عبدالرزاق بیگ دنبلی، متخلّص به مفتون صاحب تسلیه الابرار، اثری که به گفته ملک الشعراى بهار (1321، 320-321) از شاهکارهای قرن دوازدهم هجری و نمونه آثار دوره بازگشت ادبی است؛ میرزا رضی، صاحب چند رساله و مترجم یک اثر تاریخی به فارسی در آغاز عصر قاجاریه (نامه مشهوری که از سوی فتحعلیشاه قاجار به ناپلئون اول نوشته شده به قلم اوست)؛ وقایع نگار، میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، نویسنده و منشی و شاعر و وزیر که انشای فارسی را با کلمات محاوره ای درآمیخت و نثر را به ایجاز و اختصار و سادگی سوق داد و در حقیقت به قالب نثر فارسی روح تازه ای دمید و تقریباً آن را برای کاربرد در همه زمینه ها آماده ساخت. نسب نثر روزنامه ای سالم و فصیح عصر مشروطیت به نثر قائم مقام می رسد و کاربرد این نثر در جراید، در حقیقت، عامل مؤثر پذیرش آن در میان طبقات باسواد جامعه ایرانی بود. منشآت فاضل خان گروسی نمونه اعلای فصاحت عصر خود بود. صاحب دیوان، محرر رسایل محرمانه شاه (امین رسایل)، از نویسندگان طراز اوّل عصر قاجار به شمار است. رضاقلیخان هدایت، به گفته ادوارد براون (1381، 219)، یکی از بزرگترین نویسندگان ایران در قرن سیزدهم است (کریستف بالائی و میشل کویی پرس، 1383، 18-19). میرزا محمدتقی سپهر، ملقب به لسان الملک، صاحب ناسخ التواریخ، از نثرنویسان معروف این دوره است. عبداللطیف طسوجی، مترجم هزارو یک شب از عربی، که در ترجمه به زبان فارسی شأن بالایی دارد، صاحب یکی از استوارترین و زیباترین نثرهای قاجاری است. مجدالملک سینکی و پسرش امین الدوله، صاحب رساله مجدیّه، از نثرنویسان چیره دست اند. مهمترین نثرنویسان دیگر این دوره عبارت اند از: بدایع نگار، فرهاد میرزا معتمدالدوله امیرنظام گروسی، از منشیان نامی نادر میرزا محمدطاهر میرزا، نمایشنامه نویس و مترجم آثار الکساندر دوما و ترجمه های متعدد از زبان فرانسه به فارسی و از پیشگامان نهضت ترجمه در ایران معاصر؛ محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، که آثار تاریخی و تحقیقی بسیاری به قلم او یا منسوب به اوست؛ محمدحسین فروغی، ملقب به ذکاءالملک، ادیب و شاعر و روزنامه نگار و به اصطلاح امروز «ویراستار» دارالترجمه همایونی که سهم بارزی در اصلاح نثر فارسی دارد. با کوشش این دسته اخیر و عده دیگری از نویسندگان و مترجمان، که در سنت بازگشت ادبی در نثر گام برمی داشتند، نثر فارسی از بند لغاظیهای منشیانه رست و از تواناییهای بالقوه و بالفعل خود در حدی که مقتضای

زمان بود بهره مند گردید و به نثر سالم در خدمت معنی تبدیل شد. تحوّل نثر، هرچند، به طوری که اشاره رفته ، به سرعت تحوّل شعر نبود، تداوم و عمق داشت .

از دوره ناصرالدین شاه ، که ایرانیان با افکار اروپایی و تحولات مادی و معنوی دنیای غرب آشنا تر شدند و ترجمه نوشته های فرهنگی رواج یافت و انتشار مرتب جراید آغاز شد، تحوّل نثر فارسی شتاب بیشتری گرفت و نثر وارد مرحله ای تازه شد و به خدمت وظایف تازه ای درآمد. پس از تأسیس دارالفنون و ترجمه متون به زبان فارسی برای مقاصد آموزشی ، نثری که قائم مقام در آن تحوّل ایجاد کرده بود در این ترجمه ها به کار رفت و در رشته های مختلف علمی اثری گذاشت که تا زمان ما محسوس است . نثر وسیله ارتباطی مؤثری برای بیان تحولات مادی و معنوی و گزارش مسائل اجتماعی و انتقادی و توصیف و تحلیل شناخته شد و از اینرو بخش عمده وظایفی که در سنت ادبی ایران معمولاً شعر بر عهده داشت به نثر واگذار گردید و، در عین آنکه دامنه کاربرد نثر روز بروز گسترش یافت ، این امکان برای شعر فارسی فراهم آمد که بیشتر در خدمت بیان حالات و عواطف درونی شاعر قرار گیرد و به هدفهای اصلی و اصیل شعر نزدیکتر شود. به این ترتیب ، نثر دوره بازگشت ، که در ابتدا دنباله رو تحوّل شعر بازگشت بود، هم خود بالید و به راههای تازه افتاد و هم به بالیدن شعر و تحوّل آن کمک کرد.

نکته دیگری که در تحوّل نثر فارسی درخور ذکر است اینکه نثر دوره بازگشت و تحوّل پس از آن متأثر از زبانهای فرهنگی نیست ، چه پیش از آنکه ترجمه از زبانهای فرهنگی آغاز شود و ایرانیان با افکار جدید مغرب زمین آشنا شوند بازگشت ادبی و آگاهی به جنبه های قوی و استوار نثر قدیم و امکانات متنوع آن در عرصه های مختلف نثر فارسی را به جانب سلامت و سلاست سوق داده و ظهور کسانی چون قائم مقام این حرکت را، خاصه در نثر، به اعتلا رسانیده بود البته بعدها ترجمه از زبانهای خارجی - صرف نظر از آسیبهایی که مترجمان مقلد و ناآشنا به زبان ترجمه رساندند - در بهبود نثر فارسی بی تأثیر نبود، اما انگیزه اصلی این تحوّل از محیط ایران و از خود نثر و اهتمام نثرنویسان سرچشمه گرفته بود. پس از انقلاب مشروطیت ، نویسندگان ، با استفاده از زبانی که خداوندان نثر فارسی در دوره بازگشت احیا و هموار کرده بودند، توانستند مقاصد خود را به بهترین و مؤثرترین وجه بیان کنند و، گذشته از رسیدن به هدف تأثیر کلام ، نثر فارسی را به سهم خود تقویت و غنا بخشند. پس شعر دوره ی بازگشت ، همانا بازگشت به شعر دوران گذشته و رجوع به دو سبک پیشین خراسانی و عراقی بود.

نتیجه اینکه دوره بازگشت ادبی، که پس از عصر صفویّه آغاز شد، حدود یک قرن و نیم بعد به ادبیات متحوّل عصر مشروطه انجامید. تحوّل ادبی عصر بازگشت هم در عرصه شعر بود و هم در زمینه نشر. در این دوره به دلایل بسیار، از جمله دلایل تاریخی و اجتماعی و علل و اسبابی که موجب تغییر سبکهای ادبی است، سبک هندی در شعر کنار گذاشته شد و سبک قدیم خراسانی (یا ترکستانی) و سبک عراقی سرمشق قرار گرفت؛ در نثر از تکلف و تصنع و فنون صرفاً منشیانه پرهیز شد و نثر، با توجه به تجارب و ذخایر ادبی گذشته، به غایت حقیقی خود، که همانا ابلاغ منظور و معنی است، نزدیک گردید و از صنعتهایی که مغایر با معیار هنری عصر بود رهایی یافت و با ذوق و سلیقه متعارف جامعه در آن عهد سازگاری بیشتری یافت. نثر فارسی در دوره بازگشت ادبی به سادگی گرایید و به قوام و پختگی رسید. این نثر به لحاظ خلاقیت و اصالت سبک و روش جایگاه خاصی در تاریخ ادب فارسی و در کنار سایر اسلوبهای اصیل نثرنویسی دارد. نثر دوره بازگشت، پس از نیل به قوام و استحکام در عصر قاجار، در متون درسی دارالفنون و جراید عصر مشروطه و نشریات ادبی آن دوره به کار رفت و به دست صاحب قلمانی چون محمدعلی فروغی و علی اکبر دهخدا و عدّه دیگری از نویسندگان دوره بعد به نثری روانتر و استوارتر تبدیل شد و برای استفاده در زمینه های گوناگون، خاصه نثر علمی و ادبی و خبری، آمادگی یافت.

ایراد عمده ای که مخالفان ادبیات بازگشت به شعر آن دوره می گیرند - باید گفت که حساسیتهای عمدتاً متوجه شعر است و نثر دوره بازگشت آماج انتقاد نیست - این است که شعرای آن دوره فقط مقلد شعرای قدیم بوده اند و خود سبک و سخن و اندیشه و مضمون و زبان اصیل نداشته اند و، چه مقلدان موفقی باشند و چه مقلدانی ناموفق، دوره بازگشت ادبی از نظر شعر شاعری اهمیتی ندارد و به روایتی حتی اگر یکسره نادیده گرفته شود گزندى به تاریخ ادبیات ایران نمی رسد. اما اگر تحولات سریع اجتماعی و تغییرات ناگهانی سیاسی عصر قاجار و دوران متعاقب آن را که بر هنر و ادب تأثیر عمیق گذاشته است و نیز گرایشهای ادبیات معاصر را در نظر آوریم و، از طرف دیگر، سلیقه های شخصی بسیاری از خرده گیران را، که ارزش ادبی دلخواه خود را در شعر آن دوره نمی یابند، کنار بگذاریم، می بینیم که همه جنبه های این ادبیات را نمی توان بی ارزش یا حتی کم ارزش شمرد. بی گمان بسیاری از زوایا و خفایای ناکاویده این دوره ادبی با تحقیقات جدی ادبی روشن خواهد شد؛ اما از میراث ادب فارسی که پس از تحوّل سبک ادبی در دوره بازگشت به دوره معاصر رسیده است به اجمال این نکته آشکار است که ادبیات عصر بازگشت، برخلاف دوره هایی ادبی که با گذشت زمان بتدریج از امکانات و تازگی و اصلتشان کاسته می شود، روی به اعتلا داشته است و شاعران متأخر این دوره از شعرای متقدم همان دوره بمراتب چیره دست تر بوده اند و زبان